



گزارش ششمین رویداد خارج از قفسه، مطالعه جامعه‌پذیری در نظام آموزشی مدارس مذهبی در تهران، مطالعه موردی سه مدرسه علوی، نیکان و احسان

جلسه ارائه رساله دکتری آقای دکتر علیرضا رحمانی در تاریخ ۲۸ اردیبهشت ۱۴۰۴ برگزار شد. این نشست، که ششمین جلسه از مجموعه "خارج از قفسه" بود، با هدف خارج کردن تحقیقات دانشگاهی از قفسه‌های کتابخانه و در دسترس قرار دادن آن‌ها برای مخاطبان گوناگون از جمله مدیران، معلمان، مسئولان مدارس اسلامی و دانشجویان علاقه‌مند برگزار گردید. ویژگی پژوهش‌های ارائه شده در این نشست‌ها، تمرکز بر تجربیات عملی و جاری در مدارس اسلامی است و در این حوزه، حدود ۳۵ تا ۴۰ پایان‌نامه کمی و کیفی در مورد مدارس، دانش‌آموزان و والدینشان انجام شده است.

ارائه‌دهنده، آقای دکتر علیرضا رحمانی، فارغ‌التحصیل سال ۱۳۸۹ از دبیرستان علوی (دوره ۴۹)، دارای لیسانس علوم ارتباطات با گرایش سیاست‌گذاری از دانشگاه امام صادق (ع) و دکتری جامعه‌شناسی با گرایش بررسی مسائل اجتماعی ایران از دانشگاه خوارزمی هستند. عنوان رساله ایشان "مطالعه جامعه‌پذیری در نظام آموزشی مدارس مذهبی در ایران" با مطالعه موردی سه مدرسه علوی، نیکان و احسان بود. جرقه اولیه این پژوهش، تجربه زیسته آقای رحمانی به عنوان دانش‌آموز مدرسه علوی و سپس شش سال معلمی پاره‌وقت (عمدتاً در نیکان) بوده است. انگیزه اصلی ایشان برای این تحقیق، مشاهده شکاف بین نظام ارزشی مدرسه و اظهارات دانش‌آموزان در زندگی روزمره، مانند تفاوت بین محدودیت‌های اینترنتی مدرسه و تماشای فیلم‌های بدون سانسور توسط دانش‌آموزان، بود. وی در ابتدا دیدگاه نسبتاً بدبینانه‌ای نسبت به بازده کلی این مدارس در حوزه جامعه‌پذیری مذهبی داشت، اما حس آکادمیک او را به سمت بررسی علمی این موضوع سوق داد.

در چارچوب نظری، نزدیک‌ترین مفهوم به موضوع پژوهش، جامعه‌پذیری در حوزه جامعه‌شناسی است؛ سازوکاری که یک گروه اجتماعی برای شبیه کردن اعضای خود از نظر ارزشی (ذهنی) و هنجاری (عملی) به کار می‌گیرد. رویکرد نظری انتخابی، تضاد ارزش‌ها بود که مسائل اجتماعی را ناشی از تفاوت ارزش‌ها بین گروه‌های مختلف و تضاد در مسیر تحقق این ارزش‌ها می‌داند. در این تحقیق، دو گروه اصلی شامل متولیان مدارس و دانش‌آموختگان، دارای منظومه‌های ارزشی و هنجاری هستند که بخش‌هایی از آن در تقابل با یکدیگر قرار گرفته و منجر به مسائل اجتماعی می‌شود.

فرایند پژوهش در سه فاز انجام شد. فاز اول، فازی کیفی با هدف کشف و تفسیر منظومه ارزشی و هنجاری مدارس بود تا مشخص شود مدارس به دنبال چه ارزش‌ها و هنجارهایی هستند. این فاز مبتنی بر تحلیل اسناد مدارس (مانند چشم‌انداز و اهداف) و تجربه‌نگاری مدیران مدارس علوی (آقای حسین کرباسچیان)، نیکان (آقای کاشانی‌وحید) و احسان (آقای مهدی تنها) بود که توسط مؤسسه متن انجام شده بود. روش تحلیل، تحلیل مضمون (Thematic Analysis) بود و نتیجه آن، ارائه مدلی از فرایند جامعه‌پذیری شامل "بایسته‌ها" (در حیطه‌های عقاید، احکام/مناسک، سبک زندگی، اخلاقیات) و "اجرا" (شامل شرایط/اقتضائات، تکنیک‌ها/ابزارها) بود. فاز دوم، یک فاز کمی با هدف سنجش میزان نهادینه شدن ارزش‌ها و هنجارهای شناسایی شده در فاز اول در بین دانش‌آموختگان بود. ابزار این فاز، پرسشنامه‌ای مبتنی بر یافته‌های فاز اول بود که به صورت آنلاین بین دانش‌آموختگان سه مدرسه توزیع شد و ۲۶۴ نفر به آن پاسخ دادند؛ حجم نمونه بر اساس مدل کوهن کافی ارزیابی شد. با وجود چالش سوگیری گلوله برفی در نمونه‌گیری آنلاین، تلاش شد با استفاده از بسترهای مختلف توزیع، این سوگیری



کاهش یابد و نمودار خروجی شبه‌نرمال، نشان‌دهنده سوگیری کم بود. دانش‌آموختگان بر اساس نمره میانگین در پرسشنامه به دو گروه "همگرا" (بالتر از میانگین) و "واگرا" (کمتر از میانگین) دسته‌بندی شدند، که هر کدام نیز دسته‌بندی‌های داخلی (شدید یا ضعیف) داشتند. فاز سوم، مجدداً فازی کیفی با هدف فهم علت‌ها و زمینه‌های همگرایی یا واگرایی دانش‌آموختگان بود. در این فاز، با ۱۳ نفر از دانش‌آموختگانی که به پرسشنامه پاسخ داده بودند (از طریق مصاحبه فردی و گروه کانونی) مصاحبه عمیق انجام شد، با اولویت افراد کرانه‌ای (بسیار همگرا یا بسیار واگرا).

از یافته‌های اصلی فاز کمی، می‌توان به گرایش بسیار بالای همگرایی در حوزه عقاید (مانند باور به وجود خدا) اشاره کرد. با این حال، هرچه از حوزه اعتقادات به سمت ابعاد عملی و رفتاری زندگی (مانند احکام و سبک زندگی) حرکت می‌کنیم، میزان واگرایی افزایش می‌یابد. مثال‌هایی از این موارد شامل پذیرش کلام دین بدون چون و چرا، تقدم نظر مراجع بر نظر شخصی، امکان رابطه دوستی با جنس مخالف، نگاه به حجاب (چادر)، اهمیت چادری بودن همسر، معیارهای مذهبی در انتخاب دوستان، و محدودیت در گوش دادن به موسیقی بود. در حوزه سبک زندگی (مانند ساده‌زیستی در مقابل تجمل)، تناقضاتی مشاهده شد؛ به عنوان مثال، افراد خود را ساده‌زیست می‌دانستند اما استفاده از ماشین مدل بالا را مغایر با آن تلقی نمی‌کردند. در مجموع، ۴۴.۱٪ پاسخ‌دهندگان واگرا و ۵۵.۹٪ همگرا بودند، که نشان‌دهنده سنگینی نسبی کفه همگرایی است. جالب آنکه، خودانگاره همراهی افرادی با ارزش‌های مدرسه (۴۹ نفر کاملاً همراهی، ۱۳۴ نفر تا حدودی همراهی) بیشتر از آن چیزی بود که تحلیل کمی نشان می‌داد؛ یعنی خوداظهاری همگرایی بیشتر از نمره همگرایی بود. در خصوص همبستگی با متغیرهای زمینه‌ای، یافته‌ها نشان داد که زمینه خانوادگی، سن، وضعیت تأهل، وضعیت اقتصادی و تمایل به ثبت نام فرزند در این مدارس رابطه معناداری با همگرایی/واگرایی دارند. به طوری که زمینه خانوادگی سنتی و مذهبی شانس همگرایی را افزایش می‌دهد، افراد متأهل همگرایی بیشتری نسبت به مجردها دارند، با حرکت به سمت طبقات اقتصادی بالاتر همگرایی کمتر می‌شود، و تمایل به ثبت نام فرزند در این مدارس نشان‌دهنده همگرایی بیشتر است. سن نیز اثر معناداری به شکل سینوسی داشت (بازه میانی بیشترین همگرایی). اما مدرسه محل تحصیل (علوی، نیکان، احسان) و سابقه تحصیل در سایر مقاطع (دبستان، راهنمایی) رابطه معناداری با همگرایی/واگرایی دانش‌آموختگان نشان ندادند.

یافته‌های فاز کیفی در مورد زمینه‌ها و عوامل نشان داد که عواملی چون جزم‌اندیشی (رویکرد بسته مدارس نسبت به امور دینی)، ایزوله‌سازی (جداسازی افراد از جامعه واقعی که در مواجهه با محیط جدید مانند دانشگاه یا فضای مجازی منجر به چالش می‌شود، مانند یادگیری زبان انگلیسی که دریچه‌ای به دنیای جدید باز کرد)، استاندارد دوگانه اخلاقی (مانند "دروغ تربیتی" که نظام اخلاقی مدارس را زیر سؤال می‌برد)، و تجربه محیط جدید (پس از پایان کنترل مدرسه) از عوامل واگرایی بودند. در مقابل، اخلاق جهان‌شمول (تأکید بر گزاره‌های اخلاقی فرادینی و مبتنی بر وجدان انسانی) و فضای امن اخلاقی مدارس از عوامل همگرایی محسوب می‌شدند. خانواده به عنوان یک عامل دوگانه شناسایی شد. بستگی فضای خانوادگی (بسته بودن خانواده) همراه با فضای ایزوله مدرسه، می‌توانست منجر به "انفجار" و واگرایی شدید در مواجهه با محیط آزاد جدید شود. در حالی که گشودگی فضای خانوادگی (اجازه تجربه برخی امورات "ممنوعه" توسط مدرسه) می‌توانست باعث همراهی بیشتر فرد با نظام ارزشی مدرسه گردد. همچنین، تداوم ارزش‌های مدرسه در خانواده همراه با میزانی از سهل‌گیری، از عوامل



همگرایی بود. به نظر می‌رسد در نسل‌های جدیدتر، احتمال تباین بین فضای خانه و مدرسه بیشتر شده و منجر به تظاهر در مدرسه می‌شود.

در بخش گفت‌وگو و پرسش و پاسخ، سؤالاتی درباره پژوهش‌های قبلی در حوزه مدارس اسلامی و چرایی و اهمیت عنوان "مدارس مذهبی" یا "اسلامی" مطرح شد. توضیح داده شد که منظور، مدرسی با رویکرد مذهبی برجسته فراتر از نظام کلی آموزش و پرورش است که هدف تربیت "مسلمان متخصص" را دارند و برنامه درسی خاص خود را دنبال می‌کنند. همچنین، بحث‌هایی در خصوص دقت و تفسیرپذیری گویه‌های پرسشنامه کمی، و تعریف موفقیت یا استاندارد مطلوب برای همگرایی صورت گرفت (که پژوهش توصیفی بوده و قضاوت ارزشی ندارد و استاندارد را سیاست‌گذار تعیین می‌کند). سایر مباحث شامل انگیزه خانواده‌ها برای ثبت نام در این مدارس (صرفاً علمی و اعتبار آکادمیک در مقابل مذهبی/تربیتی)، تأثیر مدارس در مقابل خانواده بر همگرایی، مشاهده "خشم فروخورده" در برخی مصاحبه‌شوندگان، و اشاره به کارکردهای دیگر مدارس مانند Qualification (کیفی‌سازی علمی) و Subjectification (سوژه‌سازی دانش‌آموز) علاوه بر Socialization (که پژوهش بر آن متمرکز بوده) بود. تجربه شخصی یکی از حضار در خصوص اهمیت تربیت معلم مسلمان متخصص و انتظار از مدارس اسلامی و مفهوم "مسلمان متخصص" نیز مطرح گردید.

در ادامه، پیشنهادهایی برای پژوهش‌های آتی و مدارس ارائه شد، از جمله انجام مطالعات طولی و عرضی (بین نسلی، مقایسه با سایر انواع مدارس)، وارد کردن دانش‌آموزان فعلی به دایره مطالعه (با در نظر گرفتن ملاحظات خودسانسوری و محرمانگی)، و انجام مطالعات تطبیقی با مدارس مذهبی در سایر کشورها (مانند مدارس اسلامی پاکستان یا مسیحی کاتولیک). همچنین رویکردی برای مدارس مبنی بر پذیرش واقعیت و تغییرات میدان عمل پیشنهاد گردید. اشاره شد که نتایج این رساله در قالب گزارشی توسط "مرکز بررسی‌های راهبردی میراث" که در حوزه تلاقی دین و مسائل اجتماعی فعالیت می‌کند، منتشر شده است.

در جمع‌بندی، آقای رحمانی کار خود را گامی ابتدایی دانست اما از انجام آن ابراز خشنودی کرد و به ادامه مسیر امیدوار بود. ایشان بیان کرد که فرضیه اولیه‌اش مبنی بر سنگین‌تر بودن کفه واگرایی ابطال شده است و فاز پایانی پژوهش (عوامل همگرایی/واگرایی) برای او بسیار جذاب و تکان‌دهنده بوده است. همچنین اعلام شد که مؤسسه متن از همکاری با دانشجویان برای انجام پایان‌نامه در این حوزه استقبال می‌کند و آماده ارائه دیتا و راه ارتباطی با مدارس است. به برگزاری نشست‌های کتابک‌لوی و اطلاع‌رسانی در سایت و کانال مؤسسه متن نیز اشاره شد و از نقش افراد مختلف در احیای این مؤسسه تقدیر به عمل آمد.